

رمضان المبارک

روزه و یاد خداوند در ماه مبارک رمضان

امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند :

روزه دل از برای اندیشه در ترک گناهان ، بهتر از روزه شکم است از خوردن و آشامیدن .

در این حدیث شریف به دو نوع روزه اشاره شده : ۱- روزه جان ۲- روزه جسم . روزه جسم مرحله نازله روزه است و گستره آن محدود به زمان خاص می باشد . روزه جسم و شکم آسان است و هر کس با اراده اندک می تواند از عهده آن بر آید . نخوردن و نیاشامیدن چند ساعت چیزی نیست که برای یک انسان متدین مشکل ساز باشد . انسان توانایی دارد چندین روز ، چیزی نخورد و نیاشامد و در عین حال زنده و سالم بماند . آنچه مهم است ، روزه جان است که دامنه بسیار گسترده دارد و در عین حال بسیار سخت و دشوار است . چیزی نیست که هر کس بتواند به آسانی بدان دسترسی پیدا کند و یا به صرف دست یابیدن به روزه جسم و شکم ، بتواند بدان دست یابد .

ملازمه ای بین روزه جسم و روزه جان وجود ندارد . روزه جسم و شکم تنها می تواند مقدمه ای برای رسیدن به مرحله روزه جان باشد . رفع و دفع از خطورات ذهنی ، خیالات ، شبهات ، انگیزه ها و غرضها ، شهوات عملی و ... چیزی نیست که به صرف روزه بدست آید . در مرحله روزه دل ، تمام اعضا و جوارح انسان روزه دار است . گوش انسان روزه دارد . چشم و نگاه انسان روزه دارد . زبان انسان روزه دارد . ذهن انسان روزه دارد . نفس کشیدن و نفسها روزه دارند . در خوردن و خوابیدن و در خلوت و جلوت روزه دارند .

در حدیثی دیگر از امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند :

روزه جان ، خودداری کردن حواس پنجگانه از باقیمانده گناهان است و خلوت و آسوده ماندن دل از تمام اسباب پلید . اگر جان انسان روزه باشد ، حواس پنجگانه ، برای همیشه حواس جمع خواهد بود و به سوی پلیدیها و پلشتیها ، پا نخواهد نهاد . حضرت امیر المومنین علیه السلام می فرمایند : بندگان خدا ، پرهیز از نافرمانی خدا ، دوستان او را از رفتن در حرامهای او نگه داشته است . و دل آنان را به ترس وی همراه داشته است . چندانکه شبها بیدارشان می دارد و روزهای گرم را با تشنگی بر آنان به سر می آرد . آسایش عقبی را با رنج دنیا به دست آورند ، و سیر آبی - آنجا - را با تشنگی خوردن - در اینجا ،

امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند :

روزه جان از خوشبختیهای (پست) دنیا سودمندترین روزه ها است .

سرچشمه تمام بیماریهای روانی ، شبهات علمی و اخورده است و شهوات عملی به هر تقدیر روزه درمانی را بیگانگان از اسلام عزیز و روح آیات و روایات ما گرفته اند . نه اینکه خودشان خلایقیت به خرج داده اند و آنرا کشف کرده اند امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند : اگر خدا رخصت کبر ورزیدن را به یکی از بندگانش می داد ، به یقین منتی را بر پیامبران گزیده و دوستانش می نهاد . لکن خدای سبحان بزرگمنشی را بر آنان ناپسند دید و فروتنی را

پسندید . پس پیامبران - از روی فروتنی - گونه های خود را بر زمین جسیانیدن و چهر های خود را به خاک مالیدند . و برابر مومنان فروتنی نمودند و خود مردمانی مستضعف بودند . خدای شان به گرسنگی آزمود و به سختی مبتلایشان فرمود . و با ترس و بیماری امتحانشان کرد و با زیر و زبر کردنشان در سختیها ، ایمانشان را پدید آورد امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند : خداوند روزه را واجب کرد تا اخلاص آفریدگان آزموده گردد .

اخلاص باید در آزمایشگاه بزرگ رمضان ، کاربردی گردد . نه تنها اخلاص بلکه تمام ثنویهای دینی و ارزشی را باید آزمود و در آزمایشگاه بزرگ رمضان و ... کاربردی ساخت .

در جای دیگر امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند :

و روزه گرفتن های دشوار ، در روزه هایی که واجب است تا اندامشان بیار آمد با این کار ، و دیده هایشان خاشع شود و جانهاشان خوار ، و سبک ساختن دلهای آنان ، و بردن خودبینی از ایشان ، به فروتنی که در این عبادتیهاست از چهرهای شاداب را به تواضع بر خاک سودن ، و با جسیانیدن اندامهای پاکیزه بر زمین ، خردی خویش را نمودن ، و رسیدن شکمها به پشت به فروتنی و خواری به خاطر روزه داری ،



بیگانگان بی خبر ، از روزه در اسلام باروزه ها و امساک هایی که خود تجویز می کنند را ، فقط ضامن سلامتی تن و جسم تنها می دانند ولی غافل از این که روزه در اسلام ، بر فرا روان هم اثر گذار است و بسیاری از بیماریهای روانی فشارهای عصبی و فشارهای روانی را می توان از طریق روزه درمان کرد . و راز اصلی از روزه در اسلام ، دست یافتن به سلامتی جان است . که اگر انسان به سلامتی جان دست نیابد ، تمام هستی خویش را باخته است . موحدان واقعی شیعیان و انسانهای کامل سلامتی تن را مرتبه نازله روزه می دانند و هدف بلند از روزه ، درمان روانها و فرا روان است بلکه برد و گستره روزه در اسلام ، رسیدن به تقوا است .

گروه دین و اندیشه تبیان - خلاصه مقاله پاسدار اسلام - شماره ۲۲۸

یک روزان

نشریه فرهنگی مذهبی یک روزان شماره سی ام
ویژه تیر ماه - سال ۱۳۹۲ شمسی - (۱۴۳۴ قمری)

پیامبر اکرم : تفسیر توکل را از مبرئیل سوال کرد . مبرئیل گفت معنای توکل این است که انسان یقین کند به اینکه سود و زیان و بفشش و مرمان بدست مردم نیست و باید از آنها نا امید بود و اگر بنده ای به این مرتبه از معرفت برسد که جز برای خدا کاری انجام ندهد و جز او به کسی امیدوار نباشد و از غیر او نهراسد و غیر از خدا چشم طمع به کسی نداشته باشد این همان توکل بر خداست .

بهای نشریه ذکر صلوات جهت سلامتی اقا امام زمان عجله تعالی فرجه تشریف



جهان در آستانه ظهور امام عصر علیه السلام در چه شرایطی است ؟

وقتی ظلم و تباهی چهره عالم را سیاه و ظلمانی کرده است و آن گاه که ستمگران ، گستره زمین را جولانگه بدیها و نامردیها ساخته اند و مظلومان جهان ، دست های یاری خواهی را به آسمان گشوده اند . ناگهان ندایی آسمانی سیاهی شب را می برد و در ماه خدا ، رمضان ظهور موعود بزرگ را بشارت می دهد قلب ها به تپش می افتد و چشم ها خیره می گردد ، شب پرستان ، مضطرب و هراسان از طلوع صبح ایمان ، در پی راه چاره ای هستند و منتظران مهدی علیه السلام از هر کسی کوی یار می گیرند و برای دیدار او و حضور در زمره یاوران او ، سر از پا نمی شناسند . آن زمان ، سفیانی که بر منطقه وسیعی مانند سوریه ، اردن و عراق سلطه دارد ، سپاهی را تجهیز می کند ، تا با امام مقابله کند . لشکر سفیانی که در مسیر مکه به تعقیب امام پرداخته است ، در محلی به نام بیدا به کام زمین می رود و نابود می شود . پس از شهادت نفس زکیه ، به فاصله کوتاهی ، امام مهدی علیه السلام در سیمای مردی جوان در مسجد الحرام ظهور می کند . در حالی که پیراهن مبارک پیامبر گرامی اسلام را بر تن دارد و پرچم پیامبر را به دست گرفته است . او ، به دیوار کعبه تکیه می زند و بین رکن و مقام ، سرود ظهور را زمزمه می کند . پس حمد و ثنای الهی و درود و سلام بر پیامبر و خاندان او می فرماید :

ای مردم ! ما از خدای توانا یاری می طلبیم و نیز هر کس از جهانیان را که به ندای ما پاسخ دهد ، به یاری می خوانیم . آن گاه خود و خاندانش را معرفی می کند و ندا می دهد :

درباره رعایت حقوق ما ، خدا را در نظر بگیرید ، ما را در میدان عدالت گستری و ستم ستیزی تنها نگذارید و یاریمان کنید تا خدا شما را یاری کند .

پرشش ها و پاسخ های مهدوی ، ص ۲۲۴



مزایای نان سبوس دار نسبت به نان سفید :

از نظر علم شیمی گندمی که با کودهای مصنوعی و شیمیایی به عمل آمده ممکن است شکل گندم را داشته باشد ولی ترکیبات آن از نظر املاح معدنی با گندم طبیعی متعادل نیست . سلولهای سرطانی دارای مقدار زیادی پتاسیم هستند و کودهای مصنوعی این فلز را به حد زیادتری دارند . اما آرد نان سبوس دار باید از گندم طبیعی شیمیایی نخورده تهیه شود .

در سیلوهای بزرگ معمولاً آسیاها دارای نرده های بزرگ فلزی هستند این نرده ها هنگام آسیا کردن ایجاد فشار و حرارت زیاد میکنند . این فشار و حرارت بالای آسیاهای چدنی اصلاً آرد را می سوزاند و سبب می شود که چربی گندم به سبوس چسبیده و بعداً با آن خارج شود . این چربی دارای فوائد و منافع بسیار است که ما آنرا بدون جهت دور میریزیم و از آن استفاده نمیکنیم ما می توانیم برای نان سبوس دار از آسیاب آبی که گندم را به آرامی و سرد آرد میکند استفاده کنیم .

نان سبوس دار حاوی قسمتهای زنده و حیاتی شامل سبوس ، نطفه گندم و گلوتن است که این عوامل مفید با الک کردن از آزدهای سفید جدا میشوند . به علاوه در اثر الک کردن مقادیر زیادی از موجودات و عوامل زنده دیگر گندم از قبیل فرمانها ، دیاستارها ، ویتامینها و آنزیمها از بین می روند ، موادی که به سبوس چسبیده اند عبارتند از مواد چربی و مواد فسفردار و از همه بالاتر گلوتن است که در حقیقت مصالح ساختمان بدن به شمار می آید که با الک کردن از آرد جدا می شود . در اطراف نطفه گندم مواد سفیده ای و معدنی زیادی وجود دارد . مهمترین آنها عبارتند از پتاسیم ، نمک آهن ، آرسنیک و کمی کلسیم وجود این مواد برای گلبولهای خون که سربازان مدافع بدن هستند ضروری و لازم است . که متأسفانه با الک کردن از آرد جدایی شوند . نان سفید ترشی معده را زیاد می کند و در نتیجه تولید ضعف عمومی کرده و راه را برای ورود امراض عفونی باز می کند . در صورتی که نان سبوس دار کامل به حرکت دودی شکل معده و روده کمک کرده مانع ترشی معده و سو هاضمه و یسوست می شود . اشخاصی که با نان سفید تغذیه می شوند ۵۸ درصد آنرا هضم نکرده دفع می نمایند . در صورتی که اگر با نان سبوس دار کامل تغذیه شوند فقط ۵ درصد آنرا هضم نشده دفع می نمایند . برای تهیه نان کامل عمل تخمیر را بصورت سنتی انجام میدهم . با استفاده از مایه خمیر ترش و نمک دریا که حاوی ویتامینها و املاح ویژه ای است که در آرد موجود نیست .

در تهیه نان سفید از همزن (واکسیر) چانه گیر و بهین کن صنعتی که از مواد پلاستیکی و فلزات مضر مثل آلومینیوم و استیل استفاده می شود که بخاطر برقی بودنشان در معرض امواج الکترومغناطیست هم هست . ما برای این امور باید از وسایل و ابزار غیر مضر و از نیروی انسانی برای بهره مندی از فوائد انرژی درمانی (تشعشعات و خواص دست و چشم انسان) بهره گرفت .

salami ART.com

بِقِسْمَةِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ



درب های بهشت (درب چهارم)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هنگامیکه مرا به معراج بردند جبرئیل به من گفت: به بهشت و جهنم دستور دادم خود را به شما عرضه کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بهشت را و آنچه از نعمت ها که در آن بود مشاهده کردم و نیز جهنم با آنچه از عذابها که در آن بود مشاهده کردم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود جبرئیل مرا مورد خطاب خود قرار داد و صدا زد ای محمد بخوان آنچه بر روی این دریاها نوشته شده سپس من آنها را خواندم.

بر چهارمین درب بهشت نوشته شده بود ۱- کسیکه ایمان به خدا و روز قیامت دارد باید مسلمان را گرامی بدارد ۲- کسیکه ایمان به خدا دارد باید همسایگان را احترام کند ۳- کسیکه ایمان به خدا دارد باید پدر و مادر را گرامی بدارد ۴- کسیکه ایمان به خدا دارد باید سخن نیکو بگوید یا سکوت اختیار کند.

بحار الانوار، ج ۸



امام خمینی: اگر راهمان بدهند به این ضیافت بزرگ الهی
ارمضان امکان است راهی پیدا کنیم به سوی انسان شدن
 صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۴۲

این دعاهایی که در ماههاست در روزها هست، خصوصاً در ماه رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان اینها انسان را همچو تقویت روحی می کند اگر کسی اهلیش باشد ماهها که نیستیم همچو تقویت روحی می کند و همچو راه را برای انسان باز می کند و نور افکن است برای اینکه این بشر را از ظلمت ها بیرون بیاورد و وارد نور کند که معجزه آساست.

به این دعاها عنایت بکنید گول بعضی از نویسندگان و مثل امثال کسروی را نخورید که ادعیه را تضعیف می کردند. این تضعیف تضعیف اسلام است نمی فهمند اینها بیچاره اند. نمی دانند در این کتاب چه چیزها هست. همان مسائل قرآن است با لسان دیگری که لسان ائمه باشد.

لسان قرآن بجز زبان است. زبان دعا یک جور زبان است. زبان علما و عرفا و اینها هم یک زبان دیگر است. آن که سبکبار می کند انسان را و از این ظلمت کده می کشد او را بیرون... این ادعیه ای است که از ائمه ما وارد شده اند.

امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۴۰

شرایط وجوب روزه

- ۱- توانایی جسمی
- ۲- عاقل بودن
- ۳- بالغ و مسلمان بودن
- ۴- بیهوش نبودن
- ۵- در سفر نبودن
- ۶- یک لحظه تا پاک نبودن

تحریر الوسیله امام خمینی، ج ۱، ص ۵۳۵

۸ مورد از جاهایی که فقط قضای روزه واجب است

- ۱- عمدتاً انسان قی کند
- ۲- کور بودن تحقیق افطار کند
- ۳- سومین بار خوابیدن در جنابت قبل از سحر... مساله ۱۶۳۰
- ۴- غسل جنابت را فراموش کند
- ۵- افطار کند بعد معلوم شود مغرب نشده
- ۶- بدون تحقیق خیال کند صبح شده و چیزی بخورد.

رساله امام خمینی، مساله ۱۶۸۸

نویسنده زبر دست

علم را از هر کس که بود می آموخت و هر روز بر اندوخته های علمی و سرمایه های فرهنگی اش می افزود. گاهی مجبور می شد برای مدتی شهر و دیار خویش را نیز ترک کند و بسا شرایط بسیار سختی به کسب دانش ها و مهارت های روز بپردازد.

مدتی به صورت ناشناس همچون شاگردان دیگر در درس استادی سنی مذهب شرکت کرد. گاهی استادش کتاب قطوری را می گشود و مطالبی را که در رد مذهب شیعه نگاشته بود. برای شاگردانش می خواند. پس از اتمام کلاس، غوغایی میان جویندگان دانش به پا می شد و هر یک از آنها درباره سخنان استاد، دیدگاه های مختلفی را ارائه می کردند. مرد با خود گفت این استاد با دروغ گویی، به مذهب شیعه می تازد و آن را در حد کفر پایین می آورد باید کاری کنم اما....

چند روز گذشت تا این که فکری به خاطرش رسید. علامه حلی از فرادای آن روز، به استادش نزدیک تر شد و چنان وانمود کرد که گویی از مریدان واقعی اوست.

روزها از بی هم می گذشت و علامه حلی برای بدست آوردن کتاب استادش لحظه شماری می کرد. می خواست نوشته هایش را با دلیل و برهان رو کند. به این ترتیب حقانیت شیعه را که روز به روز بیشتر مورد تردید قرار می گرفت ثابت کرد.

سرانجام روزی دل به دریا زد و با اصرار از استادش خواست تا کتابش را برای چند روز به او بدهد استاد زیرک تر از آن بود که چنین کاری کند. او به شاگردش علامه حلی گفت: من نذر کرده ام که کتاب را بیش از یک شب به کسی نسپارم. اگر قول می دهی فردا صبح آن را صحیح و سالم تحویل دهی. به تو امانت می دهم.

علامه چاره ای نداشت و پذیرفت. در راه بازگشت به خانه با خود می اندیشید: چگونه یک شبه کتاب را مطالعه کنم و از روی آن بنویسم! نوشتن آن حداقل یک سال وقت می برد. بنابراین تصمیم گرفت شب بیدار بماند و کتاب را بخواند و در فرصتی مناسب با نوشتن ردیه جلوی تبلیغات مسموم علیه شیعه را بگیرد تا عده ای از گمراهی نجات پیدا کنند.

شب شام سبکی خورد تا بتواند بیدار بماند و بلافاصله شروع به خواندن کتاب کرد اما دید لازم است از بعضی جاها یادداشت برداری کند. همین کار را نیز کرد. هنوز چند صفحه ای نوشته بود که احساس کرد. پلک هایش سنگین شده از این رو به حیاط رفت و آبی به سر و صورت خود زد تا خوابش نبرد و دوباره مشغول شود. هنوز از کنار حوض برنخاسته بود که صدای در را شنید گفت: این موقع شب کیست که در می زند! صدایی شنید: باز کن، مهمان نمی خواهی آه از نهاد علامه حلی برخاست.

سمت در رفت و با خود گفت خدایا، درست است که مهمان حبیب توست. ولی چرا امشب! در را باز کرد و مرد عربی را دید. او را به اتاقش راهنمایی کرد. از او پرسید شام خورده ای! و بدون این که منتظر پاسخ بماند. برایش مقداری نان و خرما آورد. مرد عرب پرسید: چه می کنی! از کتاب یادداشت بر می دارم. فردا صبح کتاب را باید به صاحبش برگردانم و ماجرا را برایش گفت. مرد عرب به او گفت حاضر است کمکش کند. قرار شد علامه حلی کاغذ ها را خط کشی کند و آن مرد بنویسد. علامه حلی به سرعت خط کشی می کرد و مرد تند می نوشت. ساعتی گذشت ولی هنوز در ابتدای راه بودند. مرد عرب دید علامه خسته است و بی در پی خمیازه می کشد و پلک هایش را می مالد رو به او کرد و گفت تو برو بخواب. من تا هر جا که توانستم می نویسم. علامه تا سرش را روی متکا گذاشت خوابش برد.

نزدیک اذان صبح علامه از خواب برخاست یاد مرد افتاد و قول و قراری که با او گذاشته بود. خانه را جست و جو کرد و او را نیافت. با خود گفت پس کجاست! تا چه قسمتی از کتاب را نوشته است! سراسیمه سوی کتاب رفت. یک صفحه را برداشت و دید با خط زیبایی نوشته شده کتاب را تا صفحه آخر ورق زد. دید تمام مطالب کتاب استادش را نوشته. چشمانش برق زد. به آخر کتاب که رسید. خشکش زد. بغضش ترکید و اشکش کنار امضای مرد عرب ریخت کتبه الحجه... آن مرد. حضرت حجت بن حسن المهدی علیه السلام بود. حیات پاکان، ج ۵، مهدی مدنی

ارزش واقعی انسان به چیست!

علامه محمد تقی جعفری می فرمودند:

عده ای از جامعه شناسان برتر دنیا در دانمارک جمع شده بودند تا درباره موضوع مهمی به بحث و تبادل نظر بپردازند. موضوع این بود ارزش واقعی انسان به چیست! برای سنجش ارزش خیلی از موجودات، معیار خاصی داریم. مثلاً معیار ارزش طلا به وزن و عیار آن است. معیار ارزش بنزین به مقدار و کیفیت آن است. معیار ارزش پول، پشتوانه آن است. اما معیار ارزش انسان ها در چیست!



هر کدام از جامعه شناس ها صحبت هایی داشتند و معیار خاصی را ارائه دادند. وقتی نوبت به بنده رسید، گفتم: اگر می خواهید بدانید یک انسان چقدر ارزش دارد، ببینید به چه چیزی علاقه دارد و به چه چیزی عشق می ورزد. کسی که عشقش یک آپارتمان دو طبقه است در واقع ارزشش به مقدار همان آپارتمان است.

کسی که عشقش ماشینش است، ارزشش به همان میزان است. اما کسی که عشقش خدای متعال است، ارزشش به اندازه خداست.

علامه فرمودند: من این مطلب را گفتم و پایین آمدم. وقتی جامعه شناس هایی که صحبت مرا شنیدند برای چند دقیقه روی پای خود ایستادند و کف زدند. وقتی تشویق آنها تمام شد من دوباره بلند شدم و گفتم:

عزیزان! این کلام از من نبود. بلکه از شخصی به نام علی علیه السلام است. آن حضرت در نهج البلاغه می فرمایند: ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می دارد.

وقتی این کلام را گفتم دوباره به نشانه احترام به وجود مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام از جا بلند شدند و چند بار نام آن حضرت را بر زبان جاری کردند. علامه در ادامه فرمودند:

عشق حلال به این است که انسان مثلاً عاشق ۵۰ میلیون تومان پول باشد.

حال اگر به انسان بگویند: آئی!!! پنجاه میلیونی!!! چقدر بدش می آید!

در واقع می فهمد که این حرف توهین در حق اوست. حالا تکلیف عشق حلال اما دنیوی معلوم شد. ببینید اگر کسی عشق به گناه و معصیت داشته باشد چقدر پست و بی ارزش است! اینجاست که ارزش ثار الله معلوم می شود. ثار الله اضافه تشریفی است. خونی که در واقع آنقدر شرافت و ارزش پیدا کرده که فقط با معیارهای الهی قابل ارزش گذاری است و ارزش آن به اندازه خدای متعال است.

گروه دیدگاه، حوزه فرهنگ و اندیشه



۱۵ شعبان ۱۴۳۴ هجری قمری - دوشنبه - ۳ تیر ۱۳۹۲

خجسته میلاد حضرت امام مهدی صاحب العصر و زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۵۵ ق



۱۸ شعبان ۱۴۳۴ هجری قمری - پنجشنبه - ۶ تیر ۱۳۹۲

وفات حسن بن روح نوبختی نایب سوم امام زمان علیه السلام ۳۲۶ ه ق

۱ رمضان ۱۴۳۴ هجری قمری - چهارشنبه - ۱۹ تیر ۱۳۹۲

۱- ولایتعهدی امام رضا علیه السلام سال ۲۰۰ ه ق

۲- مرگ مروان بن حکم سال ۶۵ ه ق

۳- جنگ تبوک سال ۹ ه ق

۴- وفات حضرت نفیسه خاتون همسر جناب اسحاق فرزند امام صادق علیه السلام و مدفون در مصر سال ۲۰۸ ه ق

۴ رمضان ۱۴۳۴ هجری قمری - شنبه - ۲۲ تیر ۱۳۹۲

مرگ زینب بنت ابیہ لعن الله علیه در سال ۵۳ ه ق

۱۰ رمضان ۱۴۳۴ هجری قمری - جمعه - ۲۸ تیر ۱۳۹۲

۱- آمدن نامه های کوفه برای امام حسین علیه السلام در سال ۶۰ ه

۲- وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها ۳ سال قبل هجرت

۱۲ رمضان ۱۴۳۴ هجری قمری - یکشنبه - ۳۰ تیر ۱۳۹۲

۱- مراسم عقد اخوت در سال اول هجرت توسط رسول خدا ﷺ بین اصحاب خودشان و امیر مومنان علی علیه السلام را برادر خویش قرار دادند.

۱۳ رمضان ۱۴۳۴ هجری قمری - دوشنبه - ۳۱ تیر ۱۳۹۲

مرگ حجاج ثقفی ملعون در سال ۹۵ ه ق - تعداد کشته شدگان به دست او بجز جنگها یک صد و بیست هزار نفر نوشته اند هنگامی که به درک واصل شد در زندان او پنجاه هزار مرد و سی هزار زن بودند که ۱۶ هزار از آنها برهنه و عریان بودند. قاعده آن ملعون این بود که زن و مرد و اطفال را با هم زندانی می کرد و زندان او سقف نداشت.

هیئت تحریریه
 برادران صادقی متین - هروری - سعید افتخاری - حجت الاسلام غریبی
 با تشکر از حجت الاسلام فاضلی نژاد و حجت الاسلام خرسندی
 کاری از کانون فرهنگی هنری فاطمه الزهرا سلام الله علیها و
 مسجد آیت الله میلانی و رضویه سبزوارها
 اجرا: علی کیکاوسی چاپ: خجسته تیراز ۱۲۰۰۰ نسخه
 لطفا نظرات و پیشنهادات خود را در خصوص هر یک از مطالب
 این نشریه به شماره های زیر (پیام کوتاه) ارسال نمایید
 ۰۹۱۵ ۱۰۴۸۳۹۴ - ۰۹۱۵ ۵۱۴۵۸۲۸
 ۳۰۰۰۱۳۴ ۱۰۴۸۴۹۴
 مکان های توزیع در مشهد:
 ۱- سه راه کاشانی زیر زمین مسجد صاحب الزمان
 ۲- چهارراه شهدا پاساژ فیروزه (شعبان)
 ۳- مفتاح ۱۴ (نیش چهارراه اول)
 ۴- خیابان آیت... بهجت بین ۲۷ و ۳۱ پلک ۲/۳۳
 نیشابور یعقوب چوپان تلفن: ۰۵۵۱۳۳۵۵۳۷
 شاهرود لیزی: ۰۹۱۹ ۳۳۴ ۳۵۸۷
 E-mail: peyke.rezvan@yahoo.com

